

نقش بسیج در برابر تهدیدات امنیتی (اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی)

غلامرضا زارعی^۶

فصلنامه (علمی- تخصصی) مطهر، سال شانزدهم، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۹۸

چکیده

رسیدن به شرایط امن در گرو جلوگیری از بروز و ظهور چالش‌های امنیتی است. ناآرامی‌های اجتماعی و آشوب به عنوان نشانه‌ای از وجود نارضایتی، یکی از چالش‌های امنیتی هر حکومت محسوب می‌شود. بدیهی است کشورها ابتدا باید مانع از وقوع آشوب‌ها شوند و در وهله بعد، توان مقابله با آنها را داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران که نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و بین مردم و نظام، پیوندی ناگسستنی وجود دارد، بیشترین تلاش خود را معطوف به جلوگیری از شکل‌گیری ریشه‌های شورشگری کرده است، ولی آینده‌نگری از یک سو و تلاش‌های توطئه‌گرایانه بیگانگان و منافقان از سوی دیگر، حکم می‌کند که با استفاده از ظرفیتهای موجود، آمادگی‌های لازم را برای مقابله با شرایط بروز احتمالی آشوب نیز به دست آورد، بسیج به عنوان یادگار دوراندیشانه بنیانگذار جمهوری اسلامی، از جمله ظرفیتهای پایان‌ناپذیر نظام تلقی می‌شود که در این مقاله تلاش خواهد شد پس از طرح مباحثی نظری درباره آشوب‌ها، راهکارهایی برای استفاده از این نیرو جهت مقابله با آشوب، ارائه شود.

واژگان کلیدی: آشوب، ناآرامی و اعتراض اجتماعی، بسیج، جمهوری اسلامی ایران.

^۶ - دکترای جغرافیای نظامی و مدرس و پژوهشگر دانشکده شهید مطهری بسیج.

مقدمه

اعتراضات اجتماعی از جمله پدیده‌هایی است که همواره اغلب جوامع بشری در برخی شرایط مشخص، با آن مواجه بوده‌اند. به عبارت دقیق‌تر؛ از دوران برده‌داری تاکنون، این اعتراضات از دغدغه‌های عمده حاکمان بوده است (علی‌بابایی، ۱۳۸۸، ص ۵۸۶-۵۷۷). بیشتر اعتراضات اجتماعی از نارضایتی‌ها نشئت گرفته، هنگامی که فرصتی ایجاد شود، بروز می‌یابند. در واقع؛ اعتراضات زمانی رخ می‌دهند که حکومت نتواند پاسخ مناسبی به تقاضای گروه‌های عمده جامعه ارائه دهد. از این رو، اعتراضات اجتماعی به واسطه ضعف حکومت در دو بُعد کلی بروز می‌یابد:

بُعد ایجابی: ارائه برون‌دادهایی بهنگام، هم‌سنگ و هم‌شان درون‌داده‌ها؛

بُعد سلبی: برخورداری از توان مقابله مؤثر با معترضان.

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری جوان که به شهادت تحولات چهار دهه گذشته، همواره در معرض توطئه‌های بیگانگان دشمن انقلاب و خائنان بوده، از ابتدای پیروزی انقلاب با شورشها و اعتراضاتی مواجه بوده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵) از مهم‌ترین اعتراضات کشور، شورش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بود که با تلاشهای نیروهای انتظامی و حضور به موقع بسیجیان و مشارکت آحاد مردم، مهار شد و همچنین شورشها و ناآرامی‌های سال ۱۳۸۸ که با نام جنبش سبز ظاهر شد و ۹۶ و ۹۸.

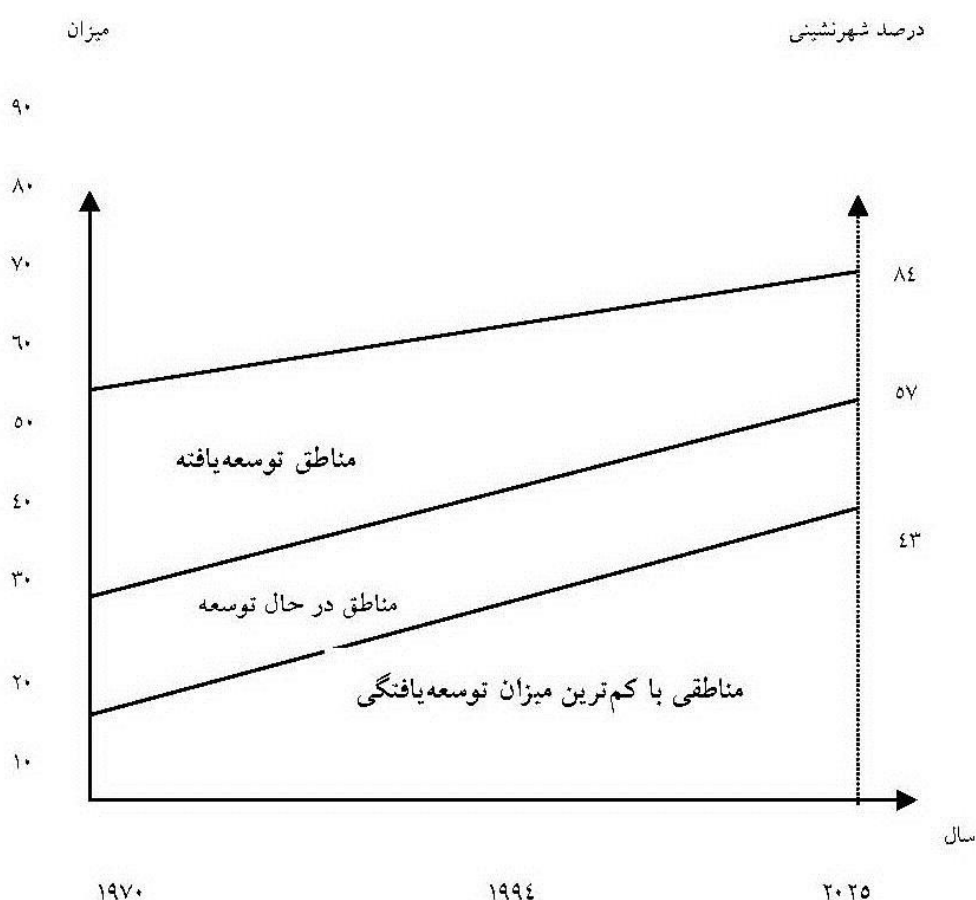
به جرئت می‌توان ادعا کرد بسیج به عنوان نهادی برخاسته از متن و بطن ملت ایران، می‌تواند نقش بی‌بدیلی را در مقابله با اعتراضات ایفا کند و از چنان ظرفیتی برخوردار است که در آینده نیز قادر خواهد بود در کنار سایر نیروها با اعتراضات گوناگون، مقابله نماید. در این نوشتار تلاش خواهد شد افزون بر ارائه تعریفی از اعتراض اجتماعی، این پدیده را با استفاده از تئوری یکی از صاحب‌نظران مباحث مذکور تبیین شود. همچنین به مباحثی اشاره خواهد شد که با کاربرست آنها، نیروهای بسیجی می‌توانند اعتراضات را مهار و کنترل کنند.

اهمیت و ضرورت موضوع اعتراضات اجتماعی

به منظور روشن شدن اهمیت موضوع، این پرسش را باید مطرح ساخت که دلایل و ضرورتهای پرداختن

به موضوع اعتراضات اجتماعی چیست؟ در مقام پاسخگویی به این سؤالات می‌توان به برخی از روندهای موجود اشاره کرد که الزام مطالعه ناآرامی‌های اجتماعی را تبیین می‌کنند.

از جمله روندهای قابل مشاهده، گسترش شهرنشینی است. تا دو قرن پیش، ۹۷٪ جمعیت جهان در روستاها زندگی می‌کردند. حتی در اوایل قرن بیستم هنوز افزون بر ۸۶٪ جمعیت جهان بیرون از نواحی شهری زیست می‌کردند. در سال ۱۹۵۰ تنها ۱۷٪ جمعیت جهان شهرنشین بودند. لیکن در شرایط کنونی نیمی از جمعیت جهان در شهرها اقامت دارند (Nichiporuk, 2005). در نمودار ۱ روند گسترش شهرنشینی تا سال ۲۰۲۵ نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱. روند شهرنشینی تا سال ۲۰۲۵

رشد شهرنشینی به طور عمده محصول افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرهاست. شهری شدن سریع و شتابان، مایه تشدید اصطکاک‌های اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجران روستایی با فرهنگ شهری است. شهرها امکان مقایسه را فراهم و از این رو، فضایی برای افزایش تقاضاها محسوب می‌شود. بی‌ثباتی و شورشهای سیاسی توده‌های محروم شهری، به دلیل افزایش در

انتظارات آنها، از ویژگی‌ها و مشکلات عمده ناشی از شهری شدن سریع و مهاجرت روستاییان به شهرهاست. بر اساس نتیجه مطالعات انجام شده، به نسبت هر درصد که نرخ رشد جمعیت افزایش یابد، خطر مناقشه و شورش حدود ۲/۵٪ افزایش خواهد یافت. (Collier, 2000, p.6)

به عقیده دورکیم از شرایط اصلی ایجاد ناآرامی‌ها به عنوان یکی از مبانی مؤثر در بروز شورش، افزایش سریع و شدید حجم و تراکم جمعیت است. نتیجه افزایش جمعیت، بروز تضاد میان مردم عادی، شاغل و گروه‌های ذی‌نفوذ است. از نظر او، شهرنشینی سریع از دیگر علل شورش‌های اجتماعی است. در کنار تراکم جمعیت، تراکم اخلاقی نیز دخالت دارد (بشیریه، ۱۳۸۹، ص ۴۹). در واقع؛ شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی مفهومی است که برای توصیف ماهیت اعتراضات اجتماعی، در شهرهای بزرگ به کار می‌رود. توسعه سریع وسایل ارتباط جمعی و شبکه ارتباطی، موجب تغییرات سریع در فرهنگ مادی در بین افراد شهرنشین می‌شود. در چنین وضعیتی، شاهد پدیده تأخر فرهنگی خواهیم بود که حکایت از عدم تناسب فرهنگ مادی و غیرمادی دارد. بنابراین، تأخر فرهنگی در کنار تعامل و ارتباط بیشتر افراد، منجر به بروز تضاد هنجارها و ارزش‌ها می‌شود. در ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی، عدم تعادل در ساختار جمعیت نیز مؤثر است. نسبت‌های ناهمگون بین شهرنشینان، پیران و جوانان، زنها و مردها و ... از مصادیق بارز چنین عدم تعادلی محسوب می‌شود.

دیگر روندی که باید مورد توجه قرار گیرد، عادی شدن^۷ خشونت است. نگاهی به شرایط و اوضاع موجود، به خوبی انسان را به این مطلب رهنمون می‌کند که جنایات، تبدیل به پدیده‌ای همه‌جایی^۸ شده‌اند. البته نباید این نکته را از خاطر دور داشت که این پدیده در بین کشورهای جهان سوم سرایت و در برگیرندگی بیشتری دارد.

در سطحی کلان‌تر، روندی قابل تشخیص است که دارای پیامدهای بسیار مهم باشد. این روند این گونه قابل تبیین است که با وجود رشد اقتصادی تعداد کمی از دولتها، بیشتر دولتهای جهان سوم قادر نیستند به سطوح بالایی از رشد اقتصادی دست یابند. این عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و نابهنجاری‌های ساختاری، بنیانهای آشوبگری و شورشگری را پی‌ریزی می‌کنند.

موضوع قابل توجه دیگر، جوان بودن جمعیت در کشورهای در حال توسعه، به مثابه یکی از کانونهای بروز شورش است. پایین بودن میانگین سنی جمعیت، به همان میزان که در بردارنده فرصتهایی بالقوه است، می‌تواند مولد تهدیدهایی نیز باشد چنانچه در فتنه سال‌های ۷۸، ۸۸ و ۹۶ مصادیق این امر بارز

1. Routinization

8. Omnipresent

بود. مبانی این تهدیدزایی، برآمده از خصایص روحی و ویژگی‌های روان‌شناختی نسل جوان است. غفلت نسبت به خواسته‌ها و نیازهای نسل جوان می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را باعث شود. حساسیت این ارقام زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم مطابق یافته‌های اکولوژی اجتماعی در خشونت‌های شهری، بالاترین میزان آشوب‌طلبی در گروه سنی ۱۷-۲۱ سال دیده می‌شود.

افزون بر آنچه بیان شد، نباید این موضوع را از نظر دور داشت که امروزه حتی یک شورش ناموفق نیز موجبات تضعیف حکومت را فراهم می‌کند، مانع دستیابی به سرمایه‌های بین‌المللی می‌شود، فرار سرمایه‌ها را تسهیل می‌کند و احتمالاً زمینه‌ساز تغییر سیاستها خواهد شد. پر واضح است این وضعیت در مورد شورشهای موفق، تشدید خواهد شد؛ به این صورت که کمترین پیامد شورشها، ایجاد چالشهای امنیتی و بیشترین آن نیز براندازی نظام است. و همچنین دولت‌های بین‌المللی غاصب، بحث شورش-های اجتماعی را دستمایه تحریم‌های اقتصادی و سیاسی قرار می‌دهند که این امر نیز به نوبه خود باعث تضعیف قدرت حکومت‌ها می‌شود.

چارچوب نظری

تعریف شورش‌ها و ناآرامی اجتماعی

یکی از ویژگی‌های علوم اجتماعی آن است که به ندرت می‌توان مفهومی را یافت که پیرامون معنای آن بین اندیشمندان اجماع نظر وجود داشته باشد. نگاه به یک اصطلاح از زوایای گوناگون، با رهیافتهای متفاوت و بر اساس پارادایم‌های مختلف، ریشه این تنوع آرا است. البته این موضوع باعث اختلافات فراوانی بین صاحب نظران و مکاتب فکری گوناگون شده است. اندیشمندان مختلفی در مورد تعریف شورش به اظهارنظر پرداخته‌اند. پر واضح است که نمی‌توان در این مجال اندک، تمامی این تعاریف را ارائه داد. بنابر این، در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

سازمان سیا در تعریفی، شورش را این گونه توصیف می‌کند: «شورش یک اقدام نظامی - سیاسی مدت‌داری است که جهت‌گیری آن در راستای کنترل تمام یا بخشی از منابع یک کشور با استفاده از نیروی نظامی نامنظم و سازمانهای سیاسی غیرقانونی می‌باشد» (Central Intelligence Agency, p.2). تد رابرت گر^۹، یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران حوزه شورشگری، این تعریف را از شورش ارائه می‌دهد: «تمامی حملاتی که در درون مرزهای یک واحد سیاسی مستقل یا مستعمره به شکل جمعی و غیردولتی متوجه افراد یا مایملک آنها می‌شود، شورش نامیده می‌شود» (Gurr, 1968, p.1104).

^۹ Ted Robert Gurr

از نظر ویلیام لوکاس^{۱۰} شورش عبارت است از: «جنبش سازمان یافته‌ای که هدفش سرنگونی حکومت ایجاد شده با استفاده از عملیاتهای خرابکاری و مناقشات نظامی است» (Lucas, 1987, p.187). بعضی از صاحب‌نظران مانند آندرو اسکات^{۱۱} در تعریف خود از شورش، بر بُعد سیاسی تأکید کرده‌اند. او بر این باور است که شورش: «تلاش یک گروه سازمان یافته است که برای نیل به اهداف سیاسی از جنگ طولانی، نامنظم و تکنیکهای سیاسی مربوط استفاده می‌کند» (Scott, 1970, p.5). پر واضح است که تعدد تعاریف فوق، نشان از دشوار بودن رسیدن به تعریفی جامع و مانع از شورش دارد. با وجود این، به طور کلی و در یک جمع‌بندی، شورش را می‌توان چنین تعریف کرد: «شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی به مثابه حرکت معمولاً خشونت‌بار جمعی و سازمان یافته نیروهای مخالف، تجلی عینی نارضایتی سیاسی - اقتصادی است که هدف از آن، حداقل، اعمال فشار بر حکومت و حداکثر، سرنگونی حکومت موجود است. به عبارت دیگر؛ شورش به معنی طغیان مردم علیه حکومت قانونی است که هنوز تبدیل به یک جنگ داخلی نشده است».

مؤلفه‌های شورش و ناآرامی اجتماعی از منظر اونیل

اونیل در نظریه خود بین مقولات و ویژگی‌های مختلف جنبشهای شورشگری تمایز قائل می‌شود. او با مطالعه فراوان شورشهای مختلف، این تعریف را از شورش ارائه می‌دهد: شورش مبارزه بین گروههای غیر حاکم و مقامات حاکم است که در آن، گروه نخست به گونه‌ای جدی منابع سیاسی (مهارت‌های سازمانی، تبلیغات و یا تظاهرات) و ابزارهای خشونت را جهت ایجاد مشروعیت برای برخی از جنبه‌های سیستم سیاسی که به نظر آنها نامشروع است، به کار می‌گیرد. (O'Neill, 1980, p.1). اونیل به منظور ارائه چارچوبی برای فهم بهتر یک شورش به منزله کنشی عقلانی، متغیرهای مؤثر در شورشها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

محیط شورش

محیط، عناصر گوناگونی را در بر می‌گیرد که برخی از آنها عبارتند از: زمین، آب و هوا، شبکه ارتباطی کشور، فرهنگ، اندازه کشور، میزان و توزیع جمعیت. این عوامل سهم قابل توجهی در انتخاب نوع راهبرد شورشگری دارند. برای مثال، چنانچه اکثر جمعیت یک کشور در روستاها ساکن باشند، نوع شورشگری احتمالاً شورش روستایی خواهد بود. فرهنگ یک کشور نقش مهمی در میزان خشونت اعمالی در شورش

¹⁰. William Lucas

¹¹. Andrew Scott

دارد. جنگ طولانی - فرسایشی و خلقی در کشوری که دارای جمعیت کمی می‌باشد، بسیار بعید است. خصوصیات زمین کشور هدف، در گزینش راهبرد جنگ چریکی یا جنگ خلقی و فرسایشی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد.

در بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های محیطی باید به این موضوع توجه داشت که بر اساس تجربیات گذشته، به ندرت تمام این عوامل در بروز و تداوم یک شورش با یکدیگر ترکیب شده و نقش‌آفرینی می‌نمایند. (Ibid, p.16)

رهبری ناآرامی‌های اجتماعی

رهبر ناآرامی‌های اجتماعی به طور معمول از نارضایتی‌های موجود در جامعه برای آغاز حرکت خود استفاده می‌کند. وظیفه عمده رهبری در شورش؛ ایجاد بینش، هدایت، راهنمایی، هماهنگی و انسجام سازمانی در بین افراد سازمان شورش است. رهبر شورش برای موفقیت نیازمند آن است که حمایت توده‌ها را جلب کند. در برخی از شورشها، رهبری بر عهده فردی است که دارای ویژگی کارزماتیک است. در این نوع از رهبری‌ها، افراد به واسطه عشق به رهبر، جذب شورش می‌شوند. در برخی از شورشها نیز رهبری بر عهده گروهی از افراد است. به هر حال، نقش رهبری در شورشها بسیار برجسته و حیاتی است. شخصیت رهبران تا حدی می‌تواند نتیجه شورش را تعیین کند. (Ibid)

ابزارهای ناآرامی‌های اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ابزارهای مورد استفاده در ناآرامی‌های اجتماعی را به ابزارها- فعالیتهای خشونت‌آمیز و غیرخشون تفکیک کرد. مهم‌ترین نمود ابزار- فعالیت غیرخشون، «تبلیغات» است. شورشیان با استفاده از ابزار تبلیغات، افکار عمومی را در سطح ملی و بین‌المللی از راه تبلیغات رسانه‌ای برای کسب حمایت‌های آنان تحت تأثیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر آنها قادرند با استفاده از برگزاری جلسات اعتراضی، تظاهرات اعتراض‌آمیز و غیره، حکومت‌های ملی - منطقه‌ای را متأثر سازند. از دیگر ساز و کارهای غیرخشون که شورشگران از آنها استفاده می‌کنند، «سازمان» است. از طریق سازمان، شورشیان عضوگیری کرده، ضمن ایجاد گروه، به نیروهای خود آموزش می‌دهند.

در کنار این ساز و کارهای غیرخشون می‌توان به ابزار- فعالیتهای خشونت‌آمیزی که در شورشها مورد استفاده قرار می‌گیرند، اشاره کرد. توسل به «عملیات تروریستی» از جمله این ابزارهاست. بمب‌گذاری‌های بدون نقشه یا هدفمند، گروگان‌گیری، هواپیماربایی، خرابکاری و... از مصادیق آشکار اقدامات تروریستی می‌باشند. «جنگ چریکی» جلوه دیگر اقدامات خشونت‌بار است. در این نوع جنگها، از تروریسم، عملیات

جنگ و گریز در مقیاسهای کوچک و ایجاد کمینگاه در مورد اهداف نظامی استفاده می‌شود. «جنگ متعارف» نیز از دیگر ابزارهای مورد استفاده در شورشهاست که در آن از همه نوع عملیات نظامی استفاده می‌شود. (Ibid, P.126-132)

حمایت مردمی

حمایت مردمی از بارزترین عناصر هر ناآرامی اجتماعی است. نگرش واقع‌بینانه مبین آن است که هیچ ناآرامی‌های اجتماعی بدون درجاتی از حمایت توده‌ها نمی‌تواند دوام و تداوم داشته باشد. شورشیان بایستی بتوانند از راه جلب این حمایتها، ضعف خود را در برابر توانایی‌های حکومت، نظیر کنترلی که بر اهرمهای قدرت به خصوص نیروهای نظامی و پلیس دارد، جبران کنند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که چون بیشتر شورشیان نمی‌توانند به طور مستقیم با حکومتها مقابله کنند، بنابر این حضور و مشارکت در شورشها، هزینه‌بر و پرخطر است. لذا شورشیان از طریق به راه انداختن جنگهای چریکی و تروریسم، درصدد هستند توان و اراده حکومت را تحلیل برده تا رژیم فروپاشد یا در برابر شرایط مورد نظر شورشیان تسلیم شود. (Ibid, p.19-21)

واکنش و پاسخ حکومت

واکنش و پاسخ حکومت به ناآرامی‌های اجتماعی، عامل مهم دیگری است که در تعیین نتیجه آن اهمیت فراوانی دارد. در زمانی که ناآرامی‌های اجتماعی آغاز شد، موفقیت عملیات در وهله اول به میزان قوت و قدرت آن وابسته نیست، بلکه مهم‌تر از آن، توان و مهارت مسئولان در مدیریت و خاتمه دادن به شورش با استفاده از ابزارهای سیاسی و نظامی است. اجرای راهبرد مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی نیازمند برنامه است. چنین برنامه‌هایی مستلزم یک سازمان مقابله‌کننده مؤثر و کارآمد است که شامل عملیات جنگ روانی، اقدامات پلیسی گسترده، اقدامات امنیتی پیچیده و فعالیتهای اطلاعاتی برای شناسایی شورشیان و جداسازی آنها از مردم عادی می‌باشد. که یکی از سازمان‌های مقابله‌کننده مؤثر در بحث مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی، سازمان بسیج می باشد که این سازمان از قابلیت انجام عملیات گسترده با استفاده از رده‌های مقاومت بسیج برای مدی

ریت صحنه ناآرامی‌های اجتماعی و پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی برخوردار می باشد. توجه به این نکته ضروری است که نه تنها باید این اقدامات به طور جدی پیگیری و انجام شوند، بلکه باید طوری عمل شود تا رابطه مردم و حکومت حفظ شده و منجر به تداوم حمایت مردم و حکومت از اقدامات نیروهای بسیجی گردد.

راهبردهای بسیج در مقابله با ناآرامی های اجتماعی

منظور از راهبردهای بسیج در مقابله با ناآرامی های اجتماعی عبارت از به کار بردن علم و هنر توسعه و به کار بردن توانایی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و نیروهای بسیج به منظور جلوگیری از وقوع شورش یا آرام کردن اعتراضات است.

بسیج با جلب حمایت مردم، مقبولیت حکومت را تقویت می کند و نیروهای مردمی و مشارکت اجتماعی را برای مقابله با ناآرامی ها، مورد بهره برداری قرار می دهد. بحث مردم محوری یعنی مشارکت فعالان آنان در امور سیاسی و اجتماعی و حمایت از حکومت، به ویژه در شرایط ناآرامی های اجتماعی، شرط لازم برای موفقیت است که مصداق بارز آن حماسه ۹ دی ۸۸ می باشد. (روحی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵-۱۴۴).

ملاحظات اساسی در اجرای عملیات مقابله با ناآرامی های اجتماعی

پیش از پرداختن به این ملاحظات، بیان و یادآوری چند نکته ضروری است:

(۱) پی بردن به ضرورت اعمال تغییر در راهبرد و تاکتیکها، همواره نشانه اشتباه بودن تمامی اجزای راهبرد نیست، بلکه باید به این مقولات از این زاویه نگریست که بیشتر راهکارهای کارآمد و بهینه، نتیجه پیمودن مرحله آزمون و خطا، منطبق کردن آن راهبردها با واقعیات زمانی - مکانی و مقدرات و استفاده از تجربیات گذشته داخلی و خارجی است. ضرورت توجه به این نکته الزامی است که در صورت حذف آزمون و خطا، ریسک سیاسی جایگزین آن خواهد شد.

(۲) آنچه در این راستا حائز اهمیت می باشد آن است که روش انتخابی هر اندازه ماهیتی نرم افزاری داشته باشد، به همان میزان، مقاومت کمتری در برابر آن شکل می گیرد. از سوی دیگر، نتیجه اجرای آن روش نباید «امنیتی کردن»^{۱۲} جامعه باشد. در این رابطه باید به ملاحظات اساسی ذیل توجه داشت:

الف) افراد نسبت به اقدامات یا اموری که منع می شوند، تحریک می گردند.

ب) بر خلاف «روند طبیعی» شرایط، نباید وضع قانون کرد؛ چرا که در نهایت ناکام خواهد ماند.

ج) تحدید قلمرو اختیار و آزادی به شکل افراطی و غیر منطقی، مولد بی اعتمادی اجتماعی، سقوط سرمایه اجتماعی، تولید احساس ناامنی و در نهایت، هرج و مرج طلبی می شود.

(۳) نگرشی تاریخی - تحلیلی به مقوله ناآرامی های اجتماعی احتمالاً موجب مواجه شدن با وضعیتی متناقض می شود. به این معنی که از یک سو واقعیت این است که آشوبگران به طور معمول دارای توان و قدرت کمتری در مقایسه با حکومت هستند و از طرف دیگر، تجربیات نشان دهنده موفقیت های قابل

¹². Securitization

توجهی برای آشوبگران است. شاید بتوان دلیل این وضعیت را با این توضیح تبیین کرد که هر چه اختلاف در میزان قدرت نسبی بیشتر باشد، بازیگر قوی (حکومت) کمتر مصمم بوده، دارای منافع - علاقه کمتری برای پیروزی است (زیرا موجودیت خود را در مخاطره احساس نمی‌کند) و در نتیجه، آسیب‌پذیرتر است. در مقابل، بازیگران ضعیف (آشوبگران) مصمم‌تر و دارای منافع - علاقه بیشتری برای پیروزی بوده (چرا که حیات و بقای خود را در پیروزی می‌بینند) و در نتیجه، کمتر آسیب‌پذیر خواهند بود. بر اساس این قاعده از برخوردهای نامتقارن، جدی تلقی نکردن ناآرامی‌های اجتماعی می‌تواند پرهزینه و دارای پیامدهایی مهم باشد. (Corum, 2008)

(۴) در ناآرامی‌های اجتماعی، عدم اطمینان درباره برآورد وضعیت و راهکارهای مهار آن افزایش می‌یابد. از این رو، هر راهبرد و برنامه‌ای در بطن خود در بردارنده حدی از ریسک ایجاد قواعد نارسا و خام است. پس از بیان این مطالب، در ادامه به ملاحظات اشاره می‌شود که در برخورد با ناآرامی‌های اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرند. گفتنی است مراد از ملاحظات اساسی، به کارگیری تمامی توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی و نیروهای بسیج بوده که بیشتر متوجه جمعیت (مردم) و آشوبگران است.

در رابطه با جمعیت؛ فعالیتهای ذیل باید اجرا شود:

تحدید کردن شرایط مورد استفاده آشوبگران

همان گونه که بیان شد، ناآرامی‌های اجتماعی پدیده‌ای آنی نیست و تکوین آن، نیازمند شرایط و عوامل گوناگونی است که برآیند آن به شکل ناآرامی تجلی می‌یابد. نارضایتی (به هر دلیلی) شرط لازم ناآرامی‌های اجتماعی است (Metz, 2004, P6). شناسایی علل و ریشه‌های واقعی نارضایتی و اصلاح مناسبات با هدف مرتفع کردن شرایط ناهمگون / نامناسب، کلید تقلیل نارضایتی است. در غیر این صورت، آشوبگران به راحتی از شرایط نامساعد یادشده بیشترین بهره‌برداری را برای همراه و بسیج کردن مردم در راستای اهداف خود خواهند نمود.

نقش مردم در مقابله با تهدید آشوبگران

در مورد مقابله با تهدید آشوبگران نقش نیروهای مردمی حائز اهمیت فراوان است. حضور مؤثر آنها مانع ایجاد فضایی برای آشوبگران خواهد شد. امنیت در برابر ناآرامی‌های اجتماعی تنها زمانی ایجاد می‌شود که مردم، نظام و کارگزاران را از خود بدانند. پیوند ناگسستنی مردم به عنوان عمق راهبردی هر نظامی با حکومت، ضامن قوام و دوام سیستم خواهد بود که این امر یکی از مهم‌ترین مصادیق پدافند مردم محور می‌باشد.

اجرای عملیات روانی

عملیات روانی از جمله ارکان عملیات ضد شورش تلقی می‌شود. ماهیت عملیات روانی به گونه‌ای است که در صورت موفقیت، ضریب موفقیت خودی یا شکست حریف را افزایش می‌دهد. اگر بتوان «جمعیت خودی» را تحت تأثیر عملیات روانی قرار داد، مقاومت آنها در برابر عناصر شورش افزایش یافته، هزینه‌های عملیات ضد شورش کاهش می‌یابد و شورش در حداقل زمان مهار شده و پایان می‌پذیرد. در رابطه با آشوبگران؛ اقدامات ذیل باید اجرا شود:

جداسازی آشوبگران از مردم

زمان در راهبردهای آرام‌سازی اعتراضات اجتماعی، عامل مهمی است. از دست دادن زمان و انجام اقداماتی نابهنگام و با تأخیر، موجب گسترش سریع دامنه شورش می‌شود. بنابراین سرعت عمل، نقش مؤثری دارد. در رابطه با جداسازی فیزیکی و روانی شورشیان از مردم عادی، سرعت عمل بسیار ضروری است. بزرگ‌ترین مزیت این اقدام، تحدید دامنه عملیاتی اعتراضی و ممانعت از تسری گستره آشوبگران به سایر گروههای اجتماعی است. افزون بر تفکیک فیزیکی، جدایی روانی نیز باید مورد پیگیری قرار گیرد؛ به این معنی که باید مانع از همفکری و پیوند ذهنی بین آشوبگران و افراد عادی شد.

حذف و خنثی‌سازی سازمان و رهبری آشوبگران

در برخی از شورشها، رهبری نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و جهت‌گیری شورش بر عهده دارد. بهترین راه مقابله با این ناآرامی‌های اجتماعی، تحدید رهبران است. در صورتی که انجام این اقدام، ممکن و میسر نباشد یا ناآرامی، بیش از رهبر، مبتنی بر ساز و کارهای تشکیلاتی باشد، راه حل مناسب، از بین بردن مبادی و مجاری ارتباطی بین بخشهای مختلف و انهدام تشکیلات خواهد بود.

اجرای عملیات روانی

به باور برخی صاحب‌نظران نظیر صلاح نصر، ناآرامی اجتماعی حادث نمی‌شود مگر آنکه شایعاتی وجود داشته باشد که آن را برانگیزد، همراهی کند و بر شدتش بیفزاید. (نصر، ۱۳۸۰، ص ۳۲۷)

پیش‌تر اشاره شد که عملیات روانی مناسب و مؤثر، ضریب موفقیت عملیات مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. با استفاده از روشها و فنون عملیات روانی می‌توان اراده آشوبگران را برای مقابله با نیروهای ضد آشوب کاهش داد، آنها را به عناصری فاقد انگیزه / روحیه، تبدیل و شورش را در حداقل زمان مهار کرد و پایان داد؛ زیرا عملیات روانی دارای ظرفیتی است که این حس را به حریف القا می‌کند که اقدام او بسیار پرهزینه و بی‌منفعت (یا دارای حداقل منافع) بوده، نتیجه‌ای جز شکست به

همراه نخواهد داشت. عملیات روانی نیروهای ضد آشوب که مهم‌ترین هدف آن جداسازی مردم از شورشیان است، می‌تواند در برگیرندهٔ محورهای ذیل باشد:

۱. متقاعد کردن مردم به اینکه رهبران آشوب، مزدور و عامل بیگانه هستند؛
۲. دستاوردهای حکومت را ترسیم و تبلیغ کنند؛
۳. بر بیهودگی و هزینه‌های فراوان آشوب تأکید کنند؛
۴. بر منفعت‌طلبی شخصی رهبران آشوب تأکید کنند؛
۵. مردم را به قابل حصول بودن اهداف به راهپایی غیر از آشوب متقاعد کنند.

نقش بسیج در مهار ناآرامی‌های اجتماعی

همان‌گونه که می‌دانیم، وظیفهٔ مقابله با آشوب به مثابهٔ یک آسیب، بحران یا تهدید، در وهلهٔ اول با نیروهای انتظام‌بخش (نیروی انتظامی، امنیتی و پلیس) است. ولی در برخی موارد و به حکم آینده‌نگری، ممکن است شرایط به گونه‌ای شکل بگیرد که مهار شورش، مستلزم دخالت نیروهای بسیج باشد. شورش ۱۸ تیر سال ۷۸ و سال ۸۸ و نیز سال ۹۶ نمونهٔ بارزی از این مطلب است. در واقع؛ بسیج به عنوان نهادی مکمل و گره‌گشا، در هر عرصه‌ای که نظام اسلامی با مشکل و چالش مواجه شود، می‌تواند به خدمت گرفته شود. بر این مبناست که مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«... در جنگ هم روحیهٔ بسیجی بود که توانست برای کشور افتخار به بار آورد. هر جا این روحیهٔ بسیجی وارد شد، گره‌ها را باز کرد و بسیج؛ یعنی پیشگام و پیشقراول در همهٔ میدانهای مورد نیاز کشور و نظام اسلامی. هر جا حضور شجاعانه و فداکارانه و مخلصانه ضرورت پیدا کند، بسیج در خط مقدم قرار می‌گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۲)

بسیج به مثابهٔ تجلی مشارکت مردم در گذار نظام از شرایط و بحرانهای گوناگون، نهادی است که به ابتکار و دوراندیشی عالمانهٔ حضرت امام (ره) تأسیس شد. اهمیت کارکردی این نهاد به ویژه در حوزهٔ مسائل دفاعی - امنیتی، به گونه‌ای است که در اصل ۱۵۱ قانون اساسی تصریح شده که مهم‌ترین دلیل تشکیل ارتش بیست میلیونی دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با هر گونه تهدید داخلی و خارجی است. البته در سایر اسناد نظیر اسناد برنامهٔ سوم (ماده ۱۷۵) و چهارم (ماده ۱۱۹) توسعهٔ کشور نیز به وظیفهٔ نیروی بسیج در برقراری و تأمین امنیت ملی اشارهٔ روشنی شده است (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۱۰). بنابر آنچه بیان شد، می‌توان گفت که نیروی بسیج می‌تواند و باید در فرایند کنترل و مهار ناآرامی‌ها نیز به ایفای نقش بپردازد. از جمله کارکردهای امنیتی سخت‌افزارانهٔ بسیج، مشارکت آنها در حفظ نظم و

امنیت است. این کارویژه با همکاری و مشارکت دیگر نیروها در سطح امنیت انتظامی و اجتماعی قابل تبیین است. این نوع عملکردها هر چند دائمی نیستند، ولی به صورت موقتی و مقطعی و در شرایط بحرانی، از مهم‌ترین کارکردهای بسیج به‌شمار می‌آیند. (زمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

در ادامه به مواردی اشاره می‌شود که نیروهای بسیج می‌توانند با استفاده از آنها، ظرفیتهای خود را در مقابله با شورشهای داخلی، اجرایی کنند.

انجام عملیات اطلاعاتی

از جمله اقداماتی که نیروی مقاومت بسیج در زمان آشوب‌ها باید انجام دهد، گردآوری اطلاعات است که با انجام عملیات اطلاعاتی به‌دست می‌آید. این عملیات، شالوده‌ای را برای طرح‌ریزی و اجرای بهتر راهبرد ضد آشوب فراهم می‌کند (Metz, 2004, P.29). اطلاعات راهبردی و تاکتیکی، هم برای عملیات نظامی و هم عملیات غیرنظامی مفید هستند. کسب اطلاعات از راههای گوناگونی امکان‌پذیر است. یکی از روشهای متداول و کارآمد، استفاده از عوامل نفوذی است. بسیج می‌تواند با به‌کارگیری ویژگی مردمی خود، در بحرانها و شورشهای داخلی نفوذ کرده، بحران را در مرحله پیش از وقوع، حین وقوع و پس از آن مدیریت کند (زمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۶). کاربرست این قبیل اطلاعات به دست آمده، نیروهای امنیتی را همواره یک گام جلوتر از آشوبگران قرار می‌دهد. وظیفه این نیروها، نفوذ به صفوف آشوبگران، جمع‌آوری اطلاعات از میان آنها، اجرای عملیات روانی در میان آشوبگران، حداقلی کردن مطالبات و واکنشهای آنها و شناسایی هسته هدایت‌کننده ناآرامی و... است.

نکته مهم این است که بدانیم اطلاعات بحران^{۱۳} در اغلب موارد، بدون سابقه بوده و در عین اینکه دارای اهمیتی حیاتی هستند، مبهم خواهند بود. حساسیت موضوع، زمانی دوجندان می‌شود که مسئولان مدیریت بحران باید اطلاعاتی با خصوصیات مذکور را «پردازش» نیز بکنند.

در این راستا، بسیج در کنار سازمانهای اطلاعاتی می‌تواند در اجرای مراحل طرح‌ریزی و هدایت، گردآوری و پرورش اخبار و انتشار برخی اطلاعات موجود در رابطه با امور مختلف کشور به منظور آگاهی قبلی از وقوع احتمالی یک شورش، نقش‌آفرین باشد. اهداف عمده و اصلی عملیات اطلاعاتی عبارتند از:

- (۱) مشخص کردن قرائن و شواهد مربوط به آشوب‌های احتمالی؛
- (۲) کسب خبر و تبدیل آن به اطلاعات در مورد آشوبگران و نیز وضعیت مناطق مورد نظر آشوبگران برای به‌اشغال درآوردن؛

¹³. Crisis Information

(۳) حداقل سازی فعالیتهای آشوبگران در زمینه‌های جاسوسی، خرابکاری و براندازی و اجرای تدابیر حفاظت اطلاعات؛

(۴) منوط بودن سرعت عمل بسیج به کسب اطلاعات دقیق و صحیح از برنامه‌های آشوب‌گران؛

(۵) دستیابی به اهداف یادشده نیازمند سیستم اطلاعاتی یکپارچه و متمرکز برای اجرای مؤثر عملیات‌های اطلاعاتی ضد آشوب در سطوح ملی/ فرومّلی است. رسیدن به چنین قابلیت‌ی مستلزم آن است که نیروهای اطلاعاتی بسیج:

الف) یک مرکز بایگانی روزآمد، مکانیزه و جامع در مورد اخبار و اطلاعات داشته باشند.

ب) یک سیستم مرکزی کنترل منابع خبر داشته باشند.

ج) اخبار و اطلاعات را برای بهره‌برداری تمامی مسئولان ذی‌صلاح، هدایت، جمع‌آوری، پرورش و منتشر کنند.

ممانعت از هدفمند شدن ناآرامی‌های اجتماعی

در برخی مواقع، آشوبگران بیش از آنکه بدانند چه می‌خواهند، می‌دانند که چه نمی‌خواهند (بُعد سلبی). این وضعیت، آشوبگران را فاقد هویت، انسجام و راهبرد خواهد کرد. از این رو، مدیریت آنها کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. ولی چنانچه آشوبگران یک گام جلوتر گذاشته و بدانند چه می‌خواهند (بُعد ایجابی)، آن گاه مهار شورش دشوارتر خواهد بود. بنابر این، عملکرد و برنامه‌های بسیج باید معطوف به این موضوع باشد که مانع شکل‌گیری خواسته‌های آشوبگران شود. مهم‌ترین راهکار در این زمینه، سرعت عمل در برخورد و مدیریت بحران است. بدیهی است این موضوع، تناقضی با هدفدار شدن آشوبگران نخواهد داشت.

انجام عملیات جنگ نرم

با عنایت به اهمیت مقوله جنگ روانی، در ادامه، توضیحاتی در این خصوص ارائه می‌شود. جنگ نرم، جنگ افکار است. جنگی است که در آن از ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی نظیر صدا و سیما، روزنامه‌ها، کتب، مجلات، موزیک، پوستر و بروشور،^{۱۴} برای رسیدن به اهداف و جلب حمایت وفاداران استفاده می‌شود. به بیان روشن‌تر؛ با عنایت به اینکه برگ برنده نیروهای خودی و حریف در یک آشوب، جذب قلوب و افکار مردم است، لذا طرفین برای اجرای برنامه‌های خود و نیز تحقق اهداف مورد نظرشان، به شدت نیازمند پشتیبانی مردم هستند.

^{۱۴}. Loeaflets

بنابر این، عملیات روانی که عبارت است از استفاده از داده‌های پنهان و آشکار ذهنی و روانی برای ایجاد رفتار، دیدگاه و ایستاری که تأمین منابع و دسترسی به اهداف (طرف اعمال کننده) را آسان می‌کند، از جمله ابزار و شیوه‌هایی است که می‌تواند از سوی بسیج مورد استفاده قرار گیرد. در عملیات روانی از روش‌هایی نظیر مهندسی افکار عمومی، انگاره‌سازی، وحشت‌آفرینی، بزرگ‌نمایی اختلافات و... استفاده می‌شود.

به طور کلی مخاطبان اصلی عملیات روانی نیروهای بسیجی، گروه «حریف» می‌باشند. هدف از عملیات روانی در برابر این گروه به شرح ذیل است:

(۱) ایجاد تأثیر کلی بر عقاید، احساسات و رفتار عناصر آشوب؛
(۲) ایجاد تردید در باور امکان دستیابی به اهداف از طریق ایجاد آشوب، به واسطه طرح جایگزین‌های دیگر؛

(۳) ایجاد شکاف و اصطکاک در صفوف عناصر آشوب؛ (Metz, 2004, P.26)

(۴) ناچیز ترسیم کردن کارایی راهبردهای تعمیق و گسترش آشوب؛

(۵) کاهش دادن انگیزه‌های جریانات آشوبگرانه؛

(۶) اعتمادسازی و ایجاد حس مساعد در لایه‌های بی‌طرف با هدف ممانعت از پیوستن آنان به جریان آشوب؛

(۷) مشروعیت‌زدایی و تضعیف رابطه رهبری آشوب با لایه‌های میانی و حاشیه‌ای آن.

از سوی دیگر اشاره شد که شایعه یکی از ابزارهای مورد استفاده آشوبگران است. برخی محققان مانند آشبورن^{۱۵} بر این باورند که نیروهای مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی می‌توانند به مقابله با شایعات بپردازند. او برای این منظور می‌گوید: نیروهای مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی باید با نشر سریع و به موقع اطلاعات و اخبار، از ایجاد ابهام که زمینه را برای نشر شایعه فراهم می‌سازد، جلوگیری کنند. همچنین به باور او، باید از جنگ روانی استفاده کنند (الیاسی، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

انهدام سازمان ناآرامی‌های اجتماعی

تلاش نیروهای بسیج برای از بین بردن سازمان ناآرامی‌های اجتماعی می‌تواند راهکارهای متفاوتی داشته باشد. به کارگیری این راهکارها بستگی به نوع آشوب دارد. به عبارتی؛ در برخی از آشوب‌ها، رهبران، مبنا و اساس هستند ولی در برخی دیگر، آشوب از چنان انسجام و توانی برخوردار است که در

¹⁵. Ashbourn

صورت فقدان رهبر اصلی، جنبش می‌تواند رهبری هم‌سطح فرد قبلی برگزیند. هر چند این آشوب‌ها، سازمان/ ساختار محور هستند و فقدان رهبر خلل چندانی در آنها ایجاد نمی‌کند. در برابر آشوب‌های نوع اول، راهبرد بی‌سر کردن^{۱۶} (دستگیری یا نابودی رهبر اصلی) تا حد زیادی کارآمد است. در آشوب‌های نوع دوم باید به تمام اجزاء ساختار و منابع حمله کرد و با استفاده از نیروهای بسیجی و بسیج امکانات و نیز انجام فعالیتهای اطلاعاتی و غیره روحیه آنها را تخریب و آشوب را به سوی ضعف سوق داد.

۵-۶. حداقل استفاده از خشونت

برخی اوقات شورشیان تلاش می‌کنند با انجام اقداماتی مانند اعمال خشونت، ترور حیثیتی، بیانیه‌پراکنی، تحصن، آشوب و اغتشاش، مردم را به خیابانها کشانده، حکومت را وادار به واکنش کنند. در صورت موفقیت، شورشیان می‌توانند دولت را خشن و جنگ‌طلب معرفی کرده، خود را صلح‌طلب و آماده مذاکره نشان دهند. این روند در طولانی‌مدت می‌تواند نظر مردم را به سوی شورشیان جلب کند. بنابر این، در مهار یک آشوب باید نیروهای بسیج توجه داشته باشند که خشونت: اولاً، خشونت‌آور است؛ ثانیاً، فضای جامعه را رادیکالی خواهد کرد و ثالثاً، در بردارنده هزینه فراوان است. با عنایت به این مطلب، ضروری است نیروهای بسیجی در مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی، جز در مراحل پایانی و پاسخ ندادن سایر روشها، از کاربرد خشونت اجتناب ورزند.

استفاده از نیروهای بسیجی آموزش‌دیده برای مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی

باید از بین نیروهای بسیجی، گروههایی را برای مقابله با آشوب، آموزش‌های ویژه داد و از آنها در مقابله با آشوبگران بهره گرفت. واقعیت این است که عناصر آشوبگر معمولاً از میانگین سنی پایینی برخوردارند و از این رو، فحاشی و هتاک‌های آنها نسبت به مسئولان یا نیروهای بسیجی چندان بعید نیست. بدیهی است در چنین شرایطی اگر نیروهای بسیجی نیز از تجربه کافی برخوردار نباشند، به راحتی و با اولین توهینهای آشوبگران و واکنش سریع و احساسی بسیجیان، موضوع، تبدیل به بحرانی داخلی خواهد شد. افزون بر این موضوع، از دیگر اصولی که باید به نیروهای بسیجی آموزش داده شود این است که باید از تهدید کردن در زمانی که اقناع کفایت می‌کند، از اعمال زور هنگامی که تهدید کارساز است و از زور بیشتر هنگامی که زور کمتر کافی است، اجتناب کنند. از سوی دیگر، باید توجه بسیجیان را به این نکته معطوف کرد که آشوبگران (در بیشتر موارد و جز در آشوب‌هایی که بیگانگان محرک و حامی اصلی هستند) بخشی از شهروندان و افراد این کشور هستند و اقدام آنها اعلام نوعی نارضایتی است. بنابر این، برخورد آنها و

^{۱۶} Decapitation

نیروهای امنیتی باید به گونه‌ای باشد که آشوبگران امروز نه تنها جزء شورشیان فردا نباشند، بلکه در نظام نیز جذب و هضم شوند.

جلوگیری از تسری شورش

در اغلب موارد، افراد مشارکت کننده در ناآرامی های اجتماعی این گروهها هستند:

(۱) هسته اولیه و اصلی آشوب؛

(۲) افراد فرصت طلب؛

(۳) افراد ناراضی؛

(۴) افراد بی تفاوت.

از سوی دیگر آشوب ها نیز در بسیاری از موارد از یک محله یا منطقه خاص آغاز و بنا به علل و دلایلی به سطح شهر یا کشور سرایت می یابد (جدی، ۱۳۸۱، ص ۹۷). با عنایت به این مطلب، عناصر کلیدی مدیریت بحران و مهار آشوب از سوی بسیجیان عبارتند از:

یک. پیوستن افراد فرصت طلب و بی تفاوت به آشوب؛

دو. گسترش آشوب به سطح شهر و در مرحله بعد کشور.

از این رو، برای خاتمه سریع آشوب، ضروری است نیروهای بسیجی مانع از برقراری تماس میان آشوبگران نقاط مختلف شهر و کشور شده، با سرعت عمل، شورش را از بین ببرند. در رابطه با اهمیت این موضوع خاطرنشان می شود که بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که جلوگیری از پیوستن مردم به آشوب و به بیانی؛ ممانعت از تسری شورش، همانند اهمیت «محروم کردن ماهی از آب» است. نتیجه آشکار این اقدام، انزوای سریع و شدید آشوبگران می باشد (بیلیس و همکاران، ۱۳۶۹، ص ۲۰۰). بی شک مهم ترین لازمه این اقدام، «سرعت عمل» نیروهای بسیجی است.

جلوگیری از دستیابی آشوبگران به مراکز کلیدی (حیاتی و حساس)

در بیشتر شورشها، عناصر آشوبگر تلاش می کنند مراکز کلیدی نظیر وزارتخانه ها یا رادیو و تلویزیون را به تصرف خود در بیاورند. این اقدامات، ضربه روانی مهمی بر نیروهای حکومت وارد می کند و در مقابل، اعتبار و پرستیژ قابل ملاحظه ای برای آشوبگران به دنبال خواهد داشت. افزون بر این مباحث، دستیابی آشوبگران به مراکز نظامی یا بانکهای عمده، می تواند توان نظامی یا مالی آنها را افزایش دهد. پس برنامه ریزی و عملکرد نیروهای بسیجی باید به گونه ای باشد که مانع از دستیابی آشوبگران به این هدف شود.

حمله به اراده و راهبرد آشوبگران

از اقدامات مهمی که بسیجیان باید در دستور کار خود قرار دهند، حمله به اراده و راهبرد آشوبگران است. در واقع؛ تزلزل و تضعیف اراده آشوبگران، حداقل به اندازه حمله به تجهیزات و افراد آشوبگر حائز اهمیت است. از سوی دیگر، عقیم گذاردن راهبرد آشوبگران و انجام اقداماتی در راستای عدم تحقق راهبرد آنها، از عناصر اصلی راهبرد مقابله با ناآرامی های اجتماعی به شمار می آیند.

گرفتن زمان و مکان از شورشیان

همان گونه که بیان شد از عوامل حیاتی آشوبگری، زمان است. آشوبگران با گرفتن زمان می توانند از یک سو حکومت را تضعیف کنند و از سوی دیگر، قدرت خود را افزایش دهند (کایراش، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷). بنابر این، یکی از شروط موفقیت برنامه ضد آشوبگری بسیجیان، سرعت عمل بالای نیروهای بسیج است؛ به نحوی که آشوبگران فرصت سازماندهی مجدد و رسیدن به اهداف یادشده را نداشته باشند. در کنار زمان، عامل مکان نیز حائز اهمیت فراوان است (همان، ص ۲۸۸). راهبرد ضد آشوبگری باید به گونه ای طراحی شود که فضا و مکانی برای حرکت در اختیار آشوبگران قرار ندهد. به عبارتی؛ حضور فراوان و با اقتدار نیروهای بسیجی، عملاً مجال تحرک را از شورشیان می گیرد. در این راستا، جلوگیری از تمرکز نیروهای شورشی در منطقه ای خاص نیز می تواند در دستور کار نیروهای بسیج قرار گیرد. راهکار دیگر آن است برخی افراد آموزش دیده بسیج، با نفوذ در بین آشوبگران، تلاش کنند که گروهی از آشوبگران را به دنبال خود کشانده، از صحنه اصلی شورش خارج کنند.

تلاش برای نفوذ بر مردم

از مهم ترین کلیدهای موفقیت عملیاتیهای ضد آشوبگری، به دست آوردن «قلوب و اذهان» مردم است (Snyder, 2008, P.187). موفقیت بسیج به عنوان یکی از نیروها در مقابله با شورش، در گرو خارج کردن این عامل از دست آشوبگران است. اگر بسیجیان بتوانند قلوب و اذهان مردم را در اختیار بگیرند، ضمن آنکه آشوبگران را از منابع و حمایت های مادی - معنوی مردم محروم می کنند، می توانند اطاعت لازم را که به منزله عاملی حیاتی در سرکوب آشوبگران است، به دست آورند. جلوگیری از اعمال خشونت های غیر ضرور، محافظت از مردم عادی در برابر خشونت ها، صبر و وقار در برابر هتک حرمت و خشونت ورزی های آشوبگران، کمک و امداد رسانی به صدمه دیدگان و آگاه سازی مردم و...، از جمله اقدام های مؤثر در این زمینه است.

نتیجه گیری

همان گونه که در مقاله اشاره شد با توجه به شرایط فعلی جامعه و فشارهای اقتصادی وارد بر مردم که حکومت های بیگانه در تلاش هستند که از طریق این فشارهای اقتصادی باعث ایجاد نارضایتی در اقشار مختلف مردم شده و به گونه ای برنامه ریزی نمایند که مردم در مقابل نظام قرار گیرند. نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردمی است و به تبع آن، دفاع از انقلاب و کشور، پدیده ای «مردمی» می باشد. بسیج به عنوان یک شجره طویه و نهاد برآمده از متن و بطن انقلاب، در هر زمینه که کشور به نقش آفرینی آن نیاز داشته باشد، وارد عمل خواهد شد. در مقوله مقابله با ناآرامی های اجتماعی نیز هر چند مسئولیت اصلی بر عهده نیروهای انتظامی است، ولی چنانچه به دلایلی نظیر کمبود امکانات، گسترش فزاینده آشوب و غیره، کنترل آشوب دشوار شود، آن گاه بر اساس وظایفی که قانون اساسی برای بسیج مشخص کرده و همچنین شرح وظایف تعریف شده برای بسیج در اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی بسیج برای بازگرداندن ثبات و امنیت و دفاع از کشور، مردم و انقلاب، علیه اخلال گران نظم و امنیت وارد عمل می شود. پر واضح است که ورود بسیج در این عرصه در هماهنگی با سایر نیروهای تأمینی و بر اساس فرمان نهادهای تصمیم گیر خواهد بود. ناآرامی های اجتماعی به مثابه نوعی ابراز نارضایتی دارای مؤلفه ها، دلایل و پیامدهای گوناگونی است. در این مقاله تلاش شد افزون بر بیان اهمیت بحث درباره ناآرامی های اجتماعی و آشوبگری، به برخی ملاحظات اساسی اشاره شود که در طرح ریزی دولتمردان برای مقابله با شورش باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین بر نقش و جایگاه بی بدیل نیروی بسیج در مواجهه با آشوب ها تأکید شد.

یافته های این نوشتار را می توان در موارد ذیل بیان کرد:

۱. وظیفه اصلی بسیج در مواجهه با ناآرامی های اجتماعی، استفاده از پتانسیل مشارکت مردمی است بعنوان مثال در آشوبها و فتنه سال های ۷۸، ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ نیز بسیج با استفاده از مشارکت مردمی وارد عرصه پاسخ گویی به مطالبات مردمی و شفاف سازی مسیر حقیقی انقلاب به مقابله با توطئه های روانی دشمن پرداختند. چنانچه حرکت مردمی تحت عنوان روز بصیرت (۹ دی ۸۸) نشان دهنده نقش بی بدیل بسیج در شفاف سازی و خنثی کردن توطئه های دشمن و جلوگیری از توسعه ناآرامی های اجتماعی بود.
۲. به دلیل پیامدهای گوناگون و فراوان آشوب، باید پیش از مقابله و مهار آشوب، در اندیشه پیشگیری از وقوع آن بود. به عبارتی؛ در چارچوب یک تفکر راهبردی باید دانست که امنیت بیش از آنکه برقرار کردنی باشد، حفظ کردنی است.

۳. رویکرد آینده‌نگرانه حکم می‌کند که باید نسبت به وقوع آشوب‌ها هوشیار بود تا دچار غافلگیری نشد.
۴. بسیج یکی از بازیگران نقش‌آفرین در مواقع بحرانی و در فرایند مدیریت بحران‌هایی نظیر آشوب، باید همواره آمادگی خود را جهت انجام مأموریت‌های محوّه حفظ کند.
۵. در مقابله با آشوب، سرعت عمل و قاطعیت نیروهای بسیجی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.
۶. بسیج باید با ارتقای سطح توانمندی‌های روحی، علمی و تکنیکی خود و داشتن آیین‌نامه‌های متناسب برای برخوردی فعالانه، همواره آمادگی خود را حفظ کند.
۷. بسیج باید تلاش کند خود را به وضعیت «عملکرد هوشمندانه» برساند. به نظر می‌رسد عملکرد هوشمندانه، اوج آمادگی نیروی بسیج باشد؛ چرا که در این وضعیت، هر یک از اجزا و بخش‌های مرتبط نیروی بسیج در صورت مواجهه با آشوب، به نوع و چگونگی اقداماتی که اجرای آن امور به عهده آنهاست، آگاهی و اشراف کامل خواهند داشت.
۸. نیروهای عمل‌کننده بسیج باید آگاهی داشته باشند که مهار آشوب تنها به صحنه درگیری و متفرق کردن آشوبگران محدود نمی‌شود، بلکه این اقدام بسیجیان، تنها بخشی از مدیریت بحران محسوب می‌شود؛ مدیریتی که مسئولیت اصلی آن تبدیل یک اقدام امنیت‌زدا به یک حرکت امنیت‌آفرین است.

منابع

۱. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲): «عملیات روانی و آشوبهای شهری»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ششم، ش ۱۸-۱۹ (تابستان).
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۹): «انقلاب و بسیج سیاسی»، تهران، دانشگاه تهران.
۳. بیلیم، جان و همکاران (۱۳۶۹): «استراتژی معاصر»، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. جدی، مجید (۱۳۸۱): «کنترل اغتشاش»، فصلنامه دفاعی - تاکتیکی، سال اول، ش ۵ (بهار).
۵. روحی، نبی‌اله (۱۳۸۴): «مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران: بررسی مورد کردستان»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۳-۵۲ (پاییز و زمستان).
۶. زمانی، رضا (۱۳۸۷): «کارکردهای بسیج در امنیت داخلی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، ش ۴۱.
۷. ساعد، نادر (۱۳۸۴): «نقدی بر نقش و کارویژه بسیج در پرتو قانون برنامه چهارم توسعه: کاستی‌ها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، ش ۲۶.
۸. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵): «مدیریت منازعات قومی در ایران»، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۹۳): «فرهنگ علوم سیاسی»، ج ۲، تهران، ویس.
۱۰. کایراش، جیمز (۱۳۸۲): «تروریسم و جنگهای نامنظم»، استراتژی در جهان معاصر، جان بیلیم و دیگران، ترجمه کابک خیبری، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.
۱۱. نصر، صلاح (۱۳۸۰): «جنگ روانی»، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، سروش.
12. Central Intelligence Agency, Guide to Analysis of Insurgency, Washington, Central Intelligence Agency.
13. Collier, Paul (2000). Economic Causes of Civil Conflict and their Implications for Policy, (15 June), Available in: www.worldbank.org/research/conflict/papers/civilconflict.pdf.
14. Corum, James (2008). Bad Strategies, New York, Zenith Press.
15. Gurr, Ted Robert (1968). "A Causal Model of Civil Strife: A Comparative Analysis Using New Indices", American Political Science Review (December).
16. Lucas, William (1987). Dictionary of Military and Associated Terms, Washington, US Government Office.
17. Metz, Steven (2004). "Insurgency and Counterinsurgency in the 21 st Century: Reconceptualizing Threat and Response", available in: www.SSI.com
18. Nichiporuk, Brian (2005). "Demographics and the Changing National Security Environment", Policy Brief, available in: www.rand.org.
19. O'Neill, Bard (1990). Insurgency & Terrorism, inside Modern Revolutionary warfare, New York, Brassey's.
20. O'Neill, Bard (Ed) (1980). Insurgency in the Modern World, Boulder, Colorado: Westview Press.
21. Scott, Andrew (1970). Insurgency, NC, The University of North Carolina press.